

Research Paper



Structural Equation Model of Relationships between Adolescents' Emotional Self-Awareness and Parenting Stress, Parenting Style and Parents' Self-Criticism



Seyedeh shadi hashemi¹, Azade abooei^{2*}, Mohsen saeidmanesh²

1. M.A student in family therapy counseling, Science and Arts university, Yazd, Iran.
2. Assistant professor, counseling department, Science and Arts university, Yazd, Iran.



DOI: 10.22034/JMPR.2022.15305

DOR: [20.1001.1.27173852.1401.17.67.14.6](https://doi.org/10.22034/JMPR.2022.15305)

URL: https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_15305.html



ARTICLE INFO

ABSTRACT

Keywords:

emotional awareness,
emotional intelligence,
parenting stress,
parenting style, self-
criticism

Received: 2021/12/31
Accepted: 2022/03/27
Available: 2022/12/21

The aim of this study was to identify the relationship between adolescents' emotional awareness, parenting stress, parenting styles, and parental self-criticism among Yazd families in 1400. This research is a descriptive-correlative study with a survey method and Structural Equation Modeling. The statistical population of this study was all adolescents (12-19 years old) with their parents. 220 adolescents with one of their parents who were available were selected as a sample. Data was collected by Reef et al.'s (2007) Emotional Self-Awareness Questionnaire, Abidin Parenting Stress (1990), Baumrind Parenting Style (1991), and Thompson and Zuroff (2004) Self-Criticism Questionnaire. Collected data were analyzed by using SPSS and Amos software. The results showed that all three variables of parenting stress, parenting style, and parents' self-criticism directly related to adolescent emotional self-awareness. inverse and significant relationship between Parental self-criticism and adolescent emotional self-awareness ($P < 0.001$), inverse and significant relationship between parenting stress and emotional self-awareness ($P < 0.05$), direct and significant relationship authoritative parenting style and emotional self-awareness ($P < 0/001$), significant inverse relationship between permissive parenting style and emotional self-awareness ($P < 0/001$) and no significant relationship was found between authoritarian parenting style and emotional self-awareness ($P > 0/05$). Evaluation of the hypothetical model of the research using fit indices showed that the hypothetical model fits with the measurement model. Therefore, it can be concluded that parental self-criticism, parenting stress and parenting style directly affect adolescent' emotional awareness.



* Corresponding Author: Azadeh Abooei

E-mail: azadehabooei@gmail.com

مقاله پژوهشی



مدل معادله ساختاری روابط بین آگاهی هیجانی نوجوانان و استرس والدگری، سبک فرزندپروری و خودانتقادی والدین



سیده شادی هاشمی^۱، آزاده ابویی*^۲، محسن سعیدمنش^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علم و هنر یزد، یزد، ایران.
۲. استادیار گروه مشاوره، دانشگاه علم و هنر یزد، یزد، ایران.



DOI: 10.22034/JMPR.2022.15305

DOR: 20.1001.1.27173852.1401.17.67.14.6

URL: https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_15305.html



چکیده

مشخصات مقاله

پژوهش حاضر با هدف شناخت رابطه بین خودآگاهی هیجانی نوجوانان و استرس والدگری، سبک فرزندپروری و خودانتقادی والدین و دستیابی به یک مدل تحلیلی در سال ۱۴۰۰ در شهر یزد انجام شده است. این پژوهش یک مطالعه توصیفی-همبستگی با هدف ارائه مدل از نوع تحلیل مسیر بوده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه نوجوانان (۱۲-۱۹) ساله به همراه والدینشان بود که ۲۲۰ (۱۰۱ پسر، ۱۱۹ دختر) نوجوان به همراه یکی از والدینشان که به صورت در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شده بودند. داده‌های پژوهش توسط پرسش‌نامه‌های خودآگاهی هیجانی ریف و همکاران (۲۰۰۷)، استرس والدگری آبی‌دین (۱۹۹۰)، سبک فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) و خودانتقادی تامپسون و زوروف (۲۰۰۴) جمع‌آوری شد، و با نرم‌افزار SPSS و آموست تجزیه و تحلیل گردید. نتایج پژوهش نشان داد که هر سه متغیر استرس والدگری، سبک فرزندپروری و خودانتقادی والدین به طور مستقیم بر خودآگاهی هیجانی نوجوان تأثیر می‌گذارند. خودانتقادی والدین و آگاهی هیجانی نوجوان رابطه معکوس و معنادار ($P < 0.001$) استرس والدگری و آگاهی هیجانی ارتباط معکوس و معنادار ($P < 0.05$)، سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه مستقیم و معنادار ($P < 0.001$) سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و آگاهی هیجانی رابطه معکوس و معنادار داشتند ($P < 0.001$) اما بین سبک فرزندپروری استبدادی و آگاهی هیجانی ارتباط معناداری یافت نشد ($P > 0.05$). ارزیابی مدل فرضی پژوهش با استفاده از شاخص‌های برازندگی نشان داد که مدل فرضی با مدل اندازه‌گیری برازش دارد ($CFI=0/962$, $GFI=0/958$, $RMSEA=0/057$). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت خودانتقادی والدین، استرس والدگری و سبک فرزند پروری والدین می‌تواند به طور مستقیم بر آگاهی هیجانی نوجوانان تأثیر بگذارد.

کلیدواژه‌ها:

رضایت از زندگی؛ زوجین؛
فعالیت جسمی؛ فعالیت
جسمی افزایش یافته؛ ارتباط
کلامی.

دریافت شده: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰

پذیرفته شده: ۱۴۰۱/۰۱/۰۷

منتشر شده: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

* نویسنده مسئول: آزاده ابویی

ایمانامه: azadehabooei@gmail.com

مقدمه

نوجوانی^۱ یکی از مراحل مهم تحول انسان محسوب می‌شود که در آن تغییرات مهمی در سطوح زیستی-روانی و اجتماعی رخ می‌دهد (گالارین، ۲۰۲۱)، که بر رشد هیجانی، شناختی و رفتاری آن‌ها تأثیر گذار است (بخت آور، ۱۳۹۹). و نوجوانان معمولاً در این دوره احساس ناپایداری، غیر قابل پیشبینی بودن و عدم تعادل می‌کنند (آلیم، ۱۹۹۴)، در نتیجه اکثر والدین دوران نوجوانی را سخت‌ترین دوران تربیت فرزندشان تلقی می‌کنند. روابط و تعاملات بین والدین و نوجوانان نقش مهمی در رشد اعتماد به خود، حرمت خود، خودکارآمدی و تصویر خود هم به شکل مثبت و هم به شکل منفی دارد (مرادیان، عالیپور و شهینی، ۱۳۹۳). والدین با اتخاذ سبک فرزندپروری^۲ مخصوص به خود نقش مهمی در رشد آگاهی هیجانی^۳ فرزندانشان ایفا می‌کنند (عادلی، ۱۳۹۶؛ هاردی، پاور و جاددکی، ۱۳۹۳). در طی این دوره والدین به دلیل رشد جسمی و مسائل مرتبط با دوران بلوغ، همچنین تلاش نوجوانان برای کسب استقلال و خروج از دوران کودکی ممکن است تعارضها میان والدین و فرزندان افزایش یابد و در نتیجه دچار استرس می‌شوند که تحت عنوان استرس والدگری^۴ از آن یاد می‌شود (حسینی، ۱۳۹۹).

تعارض بین والدین و نوجوان که می‌تواند برای والدین بسیار ناامیدکننده و استرس‌زا باشد، نوجوانی که از لحاظ جسمی به رشس رسیده اما به دلیل ناپختگی عاطفی اغلب نمی‌تواند با محدودیت‌های ایجاد شده توسط والدین سازگار شود (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۵). در چنین شرایطی والدینی که استرس والدینی بالاتری را تجربه می‌کنند، نسبت به نیازهای فرزندان خود شناخت و آگاهی کمتری دارند و تعاملات ناکارآمد بیشتری را با فرزندان خود ایجاد می‌کنند (بابره، تروملو، لومباردی، کندلوری، چیرومبولو و همکاران^۵، ۲۰۲۱)، از آنجاییکه آموزش هیجانی نه تنها از طریق آموزش‌های والدینی که مستقیماً به فرد داده می‌شود بلکه در مدل‌هایی که خود والدین برای کنترل احساسات خود و فرزندانشان انجام می‌دهند نیز صورت می‌گیرد (جوشی و دوتا، ۲۰۱۵). از آنجاییکه آگاهی هیجانی پیش نیاز تنظیم هیجانی است بنابراین والدینی که خودشان نسبت به هیجان‌ات خود آگاهی ندارند قادر به انتقال و آموزش آن به فرزندانشان نیز نیستند.

از طرف دیگر برخی از والدین با قرار دادن خود در زیر ذره‌بین و خودانتقادی^۶ دائم و پیوسته در زندگی فرزندشان نقش مهمی بازی می‌کنند، آنها با سخت‌گیری مضاعف به خود مانع پذیرش هیجان‌ات خود می‌شوند (نف، ۲۰۱۱)، ترجمه قراچه داغی، ۱۳۹۱). داشتن آگاهی کافی در مورد هیجان‌ات، شیوه‌ی کنترل و اعتقاد به ارزشمند بودن هیجان‌ات منفی متناسب با موقعیت و انتقال این دانش و باور به فرزندان، به آنها کمک می‌کند تا در موقعیت‌های هیجانی پر استرس آن را به نحو مناسب‌تری کنترل کنند (هرناندز و همکاران، ۲۰۱۸).

بنابراین با توجه به اینکه امروزه بسیاری از ناپهنجاری‌های رفتاری در نوجوانان وجود دارد و همچنین پایین آمدن سن اعتیاد، رو آوردن به بزه،

1. Adolsence
2. Parenting style
3. Emotional awareness
4. Parenting stress

افزایش پرخاشگری در این گروه سنی بیش از پیش افزایش یافته نقش والدین اهمیت دوچندانی نسبت به قبل پیدا کرده است. بر اساس نتایج تحقیقات پیشین افراد با آگاهی هیجانی بالا کمتر دچار معضلات و خطرات دوران نوجوانی می‌شوند. هدف از این پژوهش کشف روابط مستقیم و غیر مستقیم بین مولفه‌های آگاهی هیجانی نوجوانان و استرس والدگری، سبک فرزندپروری و خودانتقادی والدین است.

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی همبستگی با مدل معادله ساختاری است. برای بررسی فرضیه‌های پژوهش نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس^۷ و آموس^۸ استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه نوجوانان ۱۲-۱۹ ساله شهرستان یزد به همراه والدین آنها در سال ۱۴۰۰ بود و تعداد ۲۲۰ (۱۰۱ پسر، ۱۱۹ دختر) نوجوان و یکی از والدینشان به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری این پژوهش به صورت در دسترس بود. ابتدا پرسنامه‌ها با استفاده از گوگل فرم تهیه شد سپس به صورت ارسال لینک به گروه‌ها و مدارس مختلف و دادن کد مشخص به هر نوجوان و یکی از والدین او پرسشنامه‌ها تکمیل گردید. پرسشنامه آگاهی هیجانی توسط نوجوانان و پرسشنامه‌های استرس والدگری، سبک فرزندپروری و خودانتقادی توسط والدین کامل گردید. از شاخص‌های اقتصادی و تطبیقی، برای بررسی برازش مدل پیشنهادی و تعیین معناداری مستقیم از نرم‌افزار آموس استفاده شد. در این مدل متغیر آگاهی هیجانی متغیر مکنون (پیش‌بین) و خودانتقادی، سبک فرزندپروری و استرس والدگری متغیر نشانگر بودند. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمعیت‌شناختی و توصیف متغیرهای پیش‌بین از شاخص‌های آمار توصیفی مانند فراوانی، درصد میانگین، انحراف معیار و برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام از طریق نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس نسخه ۲۰ و آموس استفاده شده است.

ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه آگاهی هیجانی (EA) در دانش‌آموزان توسط ریف و همکاران (۲۰۰۷) به منظور سنجش آگاهی هیجانی در دانش‌آموزان طراحی و تدوین شده است و در ایران توسط غلامرضا و صابری (۱۳۹۷) اعتباریابی شده است این پرسشنامه دارای ۲۷ سؤال و شش مؤلفه تفاوت قائل شدن میان هیجان‌ات، اشتراکات زبانی احساسات، مخفی نکردن هیجان‌ات، خودآگاهی جسمی، توجه کردن به هیجان دیگران و تحلیل هیجان‌ات می‌باشد. روایی محتوایی و صوری و ملاکی این پرسش‌نامه مناسب ارزیابی شده بود و ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده (۰/۷۰) بود. همچنین پژوهش طغیانی و یوسفی (۱۳۹۸) که به بررسی ویژگی‌های روانسنجی آگاهی هیجانی پرداخت ضریب اعتبار پرسشنامه به روش بازآزمایی برای کل پرسشنامه ۰/۸۲ و برای مؤلفه‌ها بین ۰/۶۶ تا ۰/۷۹ به دست آوردند. نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۳ تا ۱ (درست، تا حدودی درست، کاملاً نادرست) بوده است.

5. Babore, Trumello, Lombardi, Candelori, Chirumbolo et al
6. Self-criticism
7. Spss
8. Amos

می‌بینند. مقیاس خود انتقادی شامل ۲۲ آیتم است. نمرات بالاتر در این مقیاس نشان دهنده سطح بالاتر خود انتقادی در فرد می‌باشد. یاماجی و کیم (۲۰۱۳) در مطالعه خود همسانی درونی مناسبی را برای این مقیاس گزارش کردند (آلفای کرونباخ ۰/۹۰).

نتایج

در پژوهش حاضر ۲۲۰ نوجوان (۱۰۱ پسر، ۱۱۹ دختر) به همراه یکی از والدینشان (۷۲ پدر، ۱۴۸ مادر) شرکت داشتند. ۴۵/۹ درصد از پاسخگویان تحقیق را پسر و ۵۴/۱ درصد را دختر تشکیل می‌دهند. سن پاسخگویان در قالب یک سؤال باز و به صورت فاصله‌ای اندازه‌گیری شد. بر اساس یافته‌های تحقیق، حداقل و حداکثر سن نوجوانان به ترتیب ۱۲ و ۱۹ و والدین به ترتیب ۳۲ و ۵۸ بوده است. میانگین سن نوجوانان ۱۵/۱۲ و میانگین سن والدین ۴۳/۴۹ سال با انحراف معیار ۱/۹۳۱ و ۵/۰۳ است. ۴۱/۸ درصد والدین شاغل و ۵۶/۴ درصد والدین خانه دار بودند. ۳۷/۳ درصد والدین تحصیلات بالاتر از لیسانس داشته‌اند و ۶۲/۷ از والدین تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم داشته‌اند.

جدول شماره ۱: یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	متغیر	میانگین	انحراف معیار
سبک سهل‌گیرانه	۷/۶۱	۵/۰۰	خودانتقادی درونی شده	۲۹/۳۴	۱۲/۰۹
سبک استبدادی	۲۴/۳۰	۵/۷۰	خود انتقادی مقایسه‌ای	۲۷/۳۰	۱۲/۱۰
سبک قاطع	۲۲/۰۰	۷/۶۸	خود انتقادی والدین	۵۶/۶۴	۱۹/۸۹
بی‌توجهی/افزون‌کنش	۱۷/۹۰	۴/۲۶	دلبستگی	۱۶/۶۱	۴/۷۰
ی					
تقویت‌گری	۱۵/۳۳	۴/۷۲	محدودیت‌های نقش	۱۷/۳۵	۵/۴۸
خلق	۱۴/۴۹	۴/۳۳	افسردگی	۲۲/۷۸	۶/۴۷
سازش‌پذیری	۱۹/۵۰	۵/۹۳	روابط با همسر	۱۴/۳۵	۴/۴۲
حس صلاحیت	۲۸/۶۴	۸/۳۰	انزوای اجتماعی	۱۴/۰۳	۴/۰۱
پذیرندگی	۱۹/۲۳	۵/۰۴	سلامت والد	۱۳/۷۶	۳/۶۷
تفاوت قائل شدن میان هیجانات	۱۷/۳۸	۳/۰۹	استرس والدگری	۲۳۵/۷۹	۵۲/۵۷
اشتراکات زبانی احساسات	۶/۵۵	۱/۸۱	توجه کردن به هیجانات دیگران	۹/۸۲	۲/۱۹
مخفی نکردن هیجانات	۷/۸۶	۲/۶۵	تحلیل هیجانات	۱۱/۹۹	۲/۷۷
خودآگاهی جسمی	۸/۵۰	۲/۶۷	آگاهی هیجانی	۶۲/۱۰	۱۱/۴۱

جهت بررسی فرضیات تحقیق از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس محور استفاده گردید. برآوردهای مربوط به شاخص‌های برازش کلیت مدل و پارامتر اصلی (اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر آگاهی هیجانی) در جداول و نمودار زیر گزارش شده است.

شاخص استرس والدینی (PSI-SF) توسط آبی‌دین (۱۹۹۰) ساخته شده است. این پرسشنامه سه زیرمقیاس آشفتگی والدینی، تعامل ناکارآمد والد-کودک و ویژگی‌های کودک مشکل‌آفرین را در بر می‌گیرد. این آزمون برای ارزیابی استرس والدینی ادراک شده والدین طراحی شده است. شیوه نمره‌گذاری به روش لیکرت برحسب پاسخهای ۹ تا ۲ از (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) انجام شده است. فدایی و همکاران (۱۳۸۸) این پرسشنامه را روی ۴۸۶ مادر هنجاریابی کردند. نتایج آلفای کرونباخ برای نمره کل استرس والدینی را (۰/۹) به دست آوردند و بعد از ۱۸ روز بازآزمایی نمره کل استرس والدینی (۰/۷۵) به دست آمد که این همبستگی نشانگر ثبات شاخص استرس والدینی است.

پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری بامریند^۱ (PSI) ترتیب از صفر تا ۳ نمره گذاری شده و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد آزاد گذاری این ابزار اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند از آزاد گذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین، برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزند پروری ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۱ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزاد گذاری مطلق، ۱۰ ماده به آن به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شوند. در این پژوهش آزمودنی‌ها که مادران نمونه‌های مورد مطالعه بودند باید با مطالعه هر ماده نظر خود را با در یک طیف پنج درجه‌ای لیکرت اعلام کنند که بعداً و به مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست آمد.

اعتبار و روایی این پرسشنامه توسط (اسفندیاری و رضایی به نقل از فیاض، عامری و بشارت؛ ۱۳۹۴) استفاده قرار گرفته و این محققان اعتبار و پایایی خوبی را در مورد آن به دست آورده‌اند. بوری (۱۹۹۴) میزان پایایی این پرسشنامه را با روش باز آزمایی ۰/۸۱ برای آزادگذاری، ۰/۸۵ برای استبدادی و ۰/۹۲ برای اقتدار منطقی پدران گزارش نمود. همچنین وی در مورد میزان اعتبار پرسشنامه، این نتایج را گزارش نموده است: مستبد بودن مادر رابطه معکوسی با آزاد گذاری ۰/۴۸- و اقتدار منطقی ۰/۳۸- او دارد. و مستبد بودن پدر نیز رابطه معکوسی با آزادگذاری ۰/۵۰- و اقتدار منطقی ۰/۵۲- او دارد.

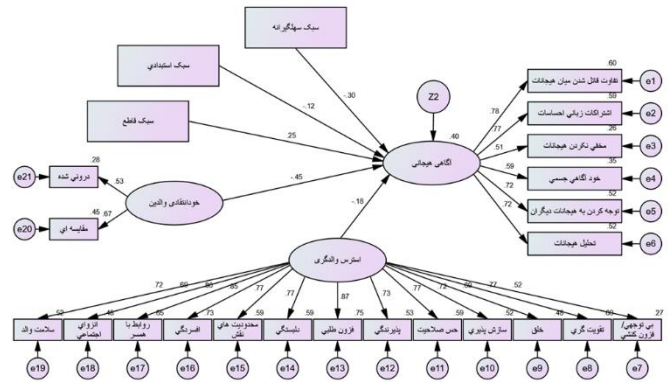
مقیاس سطوح خود انتقادی دو بعدی تامپسون و زوروف^۲ (LOSC) به وسیله تامپسون و زوروف (۲۰۰۴) تهیه شده است. این مقیاس دو سطح خود انتقادی را که عبارتند از خود انتقادی مقایسه‌ای و خود انتقادی درونی شده اندازه‌گیری می‌کند. خود انتقادی مقایسه‌ای (CSC) به عنوان دیدگاه و نظر منفی نسبت به خود در برابر دیگران تعریف می‌شود. خود انتقادی درونی شده (ISC) بر روی مقایسه نامناسب خود با دیگران که خصمانه یا انتقادی می‌باشد تمرکز می‌کند. بنابراین یکی از مشخصات (CSC) خصومت بین فردی است (تامپسون و زوروف، ۲۰۰۴). خود انتقادی درونی (ISC) به عنوان دیدگاه و نظر منفی نسبت به خود در مقابل با استانداردهای شخصی، درونی خود تعریف می‌شود. خود انتقادی درونی شامل مقایسه خود با دیگران نمی‌باشد، بلکه خودشان را (در مقابله با انتظارات خود) ناکارآمد

1. Parenting style inventory

2. Level of self-criticism

طبق نتایج نمودار، اثر مستقیم سبک قاطع بر متغیر آگاهی هیجانی به لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/001$). این رابطه مثبت و معنی دار است. یعنی هرچه سبک فرزندپروری قاطع تر باشد آگاهی هیجانی نوجوانان، بالاتر است؛ بنابراین، بین سبک فرزندپروری قاطع با آگاهی هیجانی نوجوانان رابطه وجود دارد.

همچنین، اثر مستقیم استرس والدگری بر متغیر آگاهی هیجانی به لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/001$). این رابطه منفی و معنی دار است یعنی هرچه استرس والدگری بیشتر باشد آگاهی هیجانی نوجوانان، پایین تر است. بین استرس والدگری با آگاهی هیجانی نوجوانان رابطه وجود دارد. اثر مستقیم خود انتقادی والدین بر متغیر آگاهی هیجانی به لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/005$). این رابطه منفی و معنی دار است یعنی هرچه خود انتقادی والدین بیشتر باشد آگاهی هیجانی نوجوانان، پایین تر است.



نمودار ۱: مدل عوامل مؤثر بر آگاهی هیجانی

جدول ۲: برآورد شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	RMSEA	CFI	IFI	GFI	CMIN/DF	DF	CMIN
مقدار	۰/۰۴۸	۰/۹۴۴	۰/۹۳۸	۰/۹۵۹	۱/۵۸۹	۲۵۰	۳۹۷/۲۵

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف پیش بینی خودآگاهی هیجانی نوجوانان بر اساس استرس والدگری، سبک فرزندپروری و خود انتقادی والدین انجام شد. با توجه به یافته‌های پژوهش، بین سبک فرزندپروری و آگاهی هیجانی نوجوانان رابطه منفی و معناداری وجود داشت. در همین راستا با یافته‌های پژوهش‌های پهلوانی، عباسی اسفنجیر، دوستی (۱۳۹۶)، خواجه و شایف (۱۳۹۴) و پرم (۱۳۹۹) که رابطه منفی و معناداری بین فرزندپروری سهل‌گیرانه و آگاهی هیجانی نوجوانان بدست آوردند، همسو بود. در پژوهش جوشی و دوتا (۲۰۱۵) بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و آگاهی هیجانی ارتباط معناداری یافت نشد. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن بود که بین سبک استبدادی و آگاهی هیجانی به طور مستقیم ارتباط معناداری وجود ندارد. در همین راستا یافته‌های پژوهش هرزوغ، هیل و هاروی (۲۰۱۵) نشان داد که بین سبک استبدادی و آگاهی هیجانی فرزندان ارتباط معناداری وجود ندارد. با این وجود پهلوانی و همکاران (۱۳۹۶)، خواجه و شایف (۱۳۹۴) و پرم (۱۳۹۹) به این نتیجه دست یافتند که بین سبک استبدادی و هوش هیجانی ارتباط منفی و معناداری وجود دارد در حالی که جوشی و دوتا (۲۰۱۵)، شالینی و آچارا (۲۰۱۳) بین سبک استبدادی و آگاهی هیجانی ارتباط مثبت و معنی داری یافتند.

از دیگر نتایج پژوهش حاضر این بود که بین فرزندپروری قاطع و خودآگاهی هیجانی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد و پژوهش‌های پهلوانی و همکاران (۱۳۹۶)، خواجه و شایف (۱۳۹۴)، آنولا، روسونن، ویلجاراتا و نورمی (۲۰۱۵)، هرزوغ، هیل، هاروی (۲۰۱۵)، شالینی و آچارا (۲۰۱۳)، پرم (۱۳۹۹) با نتایج پژوهش حاضر همسو بود. با این حال بر اساس نتایج تحقیق جوشی و دوتا (۲۰۱۵) بین فرزندپروری قاطع و هوش هیجانی رابطه مثبت و معنی دار اما در مؤلفه خودآگاهی بین فرزندپروری قاطع و آگاهی هیجانی ارتباط منفی و معنی داری وجود دارد. همچنین مارتینز و گارسیا (۲۰۰۷) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است.

برای محاسبه اثر متغیرهای مستقل بر متغیر آگاهی هیجانی از نرم‌افزار ایموس استفاده شد که خروجی آن در جدول ۶ گزارش شده است:

جدول ۳: برآورد اثر متغیرهای مستقل بر متغیر آگاهی هیجانی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار ضریب	P
سبک سهل‌گیرانه	آگاهی هیجانی	-۰/۳۰۴	۰/۰۰۱
سبک استبدادی	آگاهی هیجانی	-۰/۱۱۶	۰/۰۶۵
سبک قاطع	آگاهی هیجانی	۰/۲۵۳	۰/۰۰۱
استرس والدگری	آگاهی هیجانی	-۰/۱۷۶	۰/۰۰۹
خود انتقادی والدین	آگاهی هیجانی	-۰/۴۵۱	۰/۰۰۱

بر حسب مقادیر برآوردشده، می‌توان تحلیل فرضیه‌های تحقیق را بدین صورت مطرح کرد؛ بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با آگاهی هیجانی نوجوانان رابطه وجود دارد. طبق نتایج نمودار اثر مستقیم سبک سهل‌گیرانه بر متغیر آگاهی هیجانی به لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/001$). این رابطه معکوس و معنی دار است یعنی هر چه سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه‌تر باشد، آگاهی هیجانی نوجوانان پایین تر است؛ بنابراین، بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با آگاهی هیجانی نوجوانان رابطه وجود دارد. اثر مستقیم سبک استبدادی بر متغیر آگاهی هیجانی به لحاظ آماری معنادار نیست ($P > 0/005$)؛ بین سبک فرزندپروری استبدادی با آگاهی هیجانی نوجوانان رابطه وجود ندارد.

از زبان مشترک برای بیان هیجانات ارتباط مستقیم دارد و یکی از چالش‌های بنیادین نوجوانان عدم توانایی در بیان هیجانات است و از طرفی این آگاهی هیجانی به طور معناداری با سبک فرزندپروری، استرس والدگری و خود انتقادی والدین در ارتباط است و بنابر نتایج پژوهش حاضر سبک فرزندپروری، استرس والدینی و خودانتقادی والدین به طور مستقیم بر خودآگاهی هیجانی والدین اثرگذار بوده است. از جمله محدودیت‌های پژوهش بسته بودن مراکز آموزشی و محدودیت‌های دوران شیوع کرونا، نبود پژوهش‌های دارای مولفه‌های پژوهش حاضر باشند بود. به محققان و پژوهشگران حوزه خانواده پیشنهاد می‌شود پروتکل‌هایی جهت کاهش استرس والدگری و خود انتقادی والدین تدوین کنند. با توجه به اهمیت آگاهی هیجانی پیشنهاد می‌شود آگاهی هیجانی به عنوان یکی از مولفه‌های موثر در فرزندپروری به والدین هم آموزش داده شود.

منابع

- امامی مقدم، زهرا، داوودی، ملیحه، بهنام وشانی، حمیدرضا، امین یزدی، سیدامیر. (۱۳۹۲). تاثیر آموزش مهارت های هوش هیجانی بر واکنش به استرس تحصیلی دختران دبیرستانی. *مراقبت مبتنی بر شواهد*، ۱ (پیاپی ۶)، ۲۷-۳۶.
- بخت آور، محمد. (۱۳۹۹) بررسی ارتباط بین سبک های فرزند پروری و مؤلفه های جمعیت شناختی والدین با تیپ های شخصیتی فرزندان آنها. *فصلنامه علمی پژوهشی علوم روانشناختی*، ۱۹ (۸۶)، ۱۵۹-۱۶۹.
- بریمانی، صاحبچه؛ محمودی، قهرمان؛ و مسعودزاده، عباس. (۱۳۹۲). رابطه میزان استرس والدگری با شیوه های فرزند پروری در والدین کودکان ناشنوا و عادی. *فصلنامه نسیم تندرستی (سلامت خانواده)*، ۲ (۳)، ۹-۱۴.
- پرمر، شهین. (۱۳۹۹). نقش واسطه‌ای آگاهی هیجانی در ارتباط بین الگوهای فرزندپروری والدین و مشکلات رفتاری فرزندان در دانش‌آموزان و والدین آن‌ها در دوره متوسطه دوم در شهر شیراز. *ششمین کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی، مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی ایران*.
- پهلوانی، محبوه؛ عباسی اسفجیر، علی اصغر؛ دوستی، یارعلی. (۱۳۹۴). نقش شیوه های فرزندپروری والدین بر هوش هیجانی و پرخاشگری نوجوانان. *اولین همایش علمی پژوهشی روانشناسی، علوم تربیتی و آسیب شناسی جامعه، کرمان*.
- جوهری فرد، رضا؛ سبک خیز، سجاد. (۱۳۹۶) تاثیر آموزش شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر خودانتقادی و ترس از شکست در افراد دچار بیماری قلبی. *نشریه پرستاری قلب و عروق*، ۶ (۱)، ۱۴-۲۱.
- حسینی، سیده رضوان. (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی آموزش گروهی واقعیت درمانی به والدین بر کاهش تعارضات والد - نوجوان و استرس والدگری. *اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت*.
- خواجه، نازنین؛ شایف، دولت. (۱۳۹۴) بررسی نقش پیش بینی‌کننده سبک‌های فرزندپروری در هوش هیجانی دانش آموزان. *نشریه پرستاری ایران*، ۲۸ (۹۷)، ۶۶-۷۶.
- رفعیان، پریسا؛ حسین پور، صابر؛ وقار، رومینا؛ پیران، پریسا. (۱۳۹۵). رابطه سبک های فرزندپروری با پرخاشگری در نوجوانان. *اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، قم*.
- زابلی، پریسا؛ ثنایی ذاکر، باقر؛ و حمیدی، منصورعلی. (۱۳۸۴). سنجش سودمندی روش روان‌نمایشگری در بهبود مهارت های رفع تعارض مادران با دختران دانش آموز سال

شیوه‌ی فرزندپروری قاطع، عزت‌نفس فرزندان را افزایش می‌دهد از آنجایی که عزت‌نفس یکی از مؤلفه‌های آگاهی هیجانی است، با یافته‌های پژوهش حاضر همسو است. نتایج پژوهش فهدا (۲۰۱۷) حاکی از ارتباط مثبت و معنادار هوش هیجانی کودکان و فرزندپروری قاطع می‌باشد. همچنین، استرس والدگری اثر مستقیمی بر آگاهی هیجانی دارد این رابطه منفی و معنادار است؛ یعنی هرچه استرس والدگری بیشتر باشد آگاهی هیجانی پایین‌تر است. یافته‌های پژوهش آهون و همکاران (۲۰۲۱) نشان داد که هم در پدران و هم در مادران بر آگاهی هیجانی فرزندان تاثیرگذار است به خصوص استرس‌های مالی می‌تواند آگاهی هیجانی فرزندان را پایین بیاورد. در پژوهشی که فونیسکا، موریرا و کاناوارو (۲۰۲۰) انجام دادند به این نتیجه رسیدند که استرس والدین بر سبک فرزندپروری آنها اثر مستقیم دارد. همچنین دیتز - دیکارد (۱۹۹۴) به این نتیجه رسید که استرس والدینی بالا، رفتارهای منفی تربیتی را پیش‌بینی می‌کند، که یافته‌های این پژوهش‌ها به طور غیر مستقیم با پژوهش حاضر همسو بود. طبق نتایج پژوهش اثر مستقیم خودانتقادی والدین بر متغیر آگاهی هیجانی به لحاظ آماری معنادار است این رابطه منفی و معنی‌دار است یعنی هرچه خودانتقادی والدین بیشتر باشد آگاهی هیجانی نوجوانان، پایین‌تر است. این مؤلفه با مؤلفه سبک فرزندپروری در تحقیق مونگرین و لیتزر (۲۰۰۶) مورد پژوهش قرار گرفته که معتقد است خودانتقادی بالا با فرزندپروری ناکارآمد رابطه مستقیم دارد یعنی هر چه خود انتقادی والدین بالاتر باشد فرزندپروری ناکارآمدتر می‌شود. در همین راستا یکی از مولفه‌های استرس والدگری روابط با همسر بود که رابطه معناداری با استرس والدگری و اثر معناداری بر آگاهی هیجانی نوجوانان داشت. یافته‌های این پژوهش در مورد روابط با همسر و تاثیر آن بر استرس والدگری با پژوهش فضلی و سجادیان (۱۳۹۵) همسو بود. هدف اصلی پژوهش حاضر پیش‌بینی آگاهی هیجانی نوجوانان بر مبنای استرس والدگری، سبک فرزندپروری و خودانتقادی والدین بود. با توجه به دوران سخت نوجوانی استرس والدگری دور از انتظار نیست که این استرس اگر بالاتر رود می‌تواند بر سبک فرزندپروری والدین اثر گذاشته و سبب فرزندپروری ناکارآمد شود (بریمانی، ۱۳۹۲). فرزندپروری ناکارآمد، خودانتقادی والدین را پیش‌بینی می‌کند (مونگرین و لیتزر، ۲۰۰۶). که این خود انتقادی بالا سبب کاهش سازگاری والدین و در نتیجه افسردگی می‌شود (کوپر، ۲۰۰۹). در اینجا می‌توان به رابطه متقابل بین خودانتقادی والدین و استرس والدگری اشاره نمود. هرچه والدین سازش‌پذیری کمتر و خودانتقادی درونی شده بیشتری داشته‌باشند، رضایت و کیفیت زندگی کمتری را تجربه می‌کنند که می‌تواند بر کیفیت زندگی نوجوانان تاثیرگذار باشد که با یافته‌های پژوهش صیدی، رضایی و حسینی (۱۳۹۸)؛ وان، هو و هانگ (۲۰۲۰) همسو بود. همه‌ی این موارد می‌تواند بر ارتباط نوجوان والد اثرگذار باشد از آنجایی که آگاهی هیجانی فرآیندی است که در ارتباط با سایرین خصوصاً والدین رشد می‌یابد و اهمیت آن از آن جهت است که با ادراک فرد، اهمیت دادن به خود و دیگران، استفاده

1. Fahd
2. Ahun etal
3. Fonseca, Moriera & Canavarro
4. Deater-Deckard

5. Mongrain & Leather
6. Cooper
7. Wang, Hu, Han

- Abidin, R. R. (2019). The Determinants of Parenting Behavior. *Journal of Clinical Child Psychology, 21*, 407-412.
- Adolescents, A., & Acharya, B. (2013). Perceived Paternal Parenting style on Emotional Intelligence of. Accessed on Corpus ID: 39626210.
- Ahun, M. N., Jeong, J., Kieffer, M. P., Mwanyika-Sando, M., & Yousafzai, A. K. (2021). Maternal and paternal perspectives on parenting stress in rural Tanzania: A qualitative study. *SSM-Mental Health, 1*, 100030.
- Aunola, K., Ruusunen, A.-K., Viljaranta, J., & Nurmi, J.-E. (2015). Parental Affection and Psychological Control as Mediators Between Parents' Depressive Symptoms and Child Distress. *Journal of Family Issues, 36*(8), 1022-1042.
- Babore, A., Trumello, C., Lombardi, L., Candelori, C., Chirumbolo, A., Cattelino, E., Baiocco, R., Bramanti, S. M., Viceconti, M. L., Pignataro, S., & Morelli, M. (2021). Mothers' and Children's Mental Health During the COVID-19 Pandemic Lockdown: The Mediating Role of Parenting Stress. *Child psychiatry and human development, 1-13*. Advance online publication.
- Baumrind, D. (1967). Child care practices anteceding three patterns of preschool behavior. *Genetic Psychology Monographs, 75*, 43-88.
- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology Monographs, 4*, 27-42.
- Clark, S., & Coker, S. (2009). Perfectionism, self-criticism and maternal criticism: A study of mothers and their children. *Personality and Individual Differences, 47*(4), 321-325.
- Deater-Deckard, K. (1998). Parenting stress and child adjustment: Some old hypotheses and new questions. *Clinical Psychology: Science and Practice, 5*(3), 314-332.
- Fahd, S. (2017). Impact of Meta Cognitive Strategies and Parenting style on emotional Intelligence of children in Bahawalpur. *Department of Applied Psychology the Islamia University of Bahawalpur*.
- Fonseca, A., Moreira, H., & Canavarro, M. C. (2020). Uncovering the links between parenting stress and parenting styles: The role of psychological flexibility within the parenting and global psychological flexibility. *Journal of Contextual Behavioral Science*.
- Galla, B. M. (2016). Within-person changes in mindfulness and self-compassion predict enhanced emotional well-being in healthy but stressed adolescents. *Journal of Adolescence*.
- Gallarin, M., Torres-Gomez, B., & Alonso-Arbiol, I. (2021). Aggressiveness in Adopted and Non-Adopted Teens: The Role of Parenting, Attachment Security, and Gender. *International journal of environmental research and public health, 18*(4), 2034.
- Hayes, S., Watson, S. (2012). The Impact of Parenting Stress: A Meta-analysis of Studies Comparing the Experience of Parenting Stress in Parents of Children with and Without Autism Spectrum Disorder. *Journal of autism and developmental disorders*.
- Herzog, T., Hill-Chapman, C., Hardy, Tiffany., Wrighten, S., El-Khabbaz, Rita. (2015). Trait Emotion, Emotional Regulation, and Parenting Styles. *Journal of Educational and Developmental Psychology, 5*(2):119-135.
- اول دبیرستان های منطقه ۲ تهران. پژوهش های مشاوره (تازه ها و پژوهش های مشاوره)، ۴(۱۳)، ۸۱-۹۸.
- صدی، محمدسجاد؛ رضایی، خدیجه؛ حسینی، ستاره. (۱۳۹۸). بررسی نقش واسطه ای کیفیت زندگی خانوادگی در رابطه بین استرس والدگری و مشکلات رفتاری فرزندان، *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۱۶(۳۴)، ۱۵۴-۱۳۱.
- طغیان، الهه؛ یوسفی، رحیم. (۱۳۹۸). ویژگی های روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه آگاهی هیجانی، *فصلنامه اندازه گیری تربیتی*، دوره ۹ شماره ۳۵، ۲۱۳-۲۳۲.
- عادل، نوروز. (۱۳۹۶). رابطه نشانگان وسواس فکری-عملی با سبک های فرزندپروری در نوجوانان دارای علائم افسردگی. پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد گرایش عمومی، دانشکده علوم انسانی، گروه روانشناسی، واحد علوم تحقیقات شهروود، دانشگاه آزاد اسلامی.
- فدایی، زهرا؛ دهقانی، محسن؛ و طهماسبیان، کارینه؛ و فرهادی، فاطمه. (۱۳۸۹). بررسی ساختار عاملی، اعتبار و روایی فرم کوتاه - شاخص استرس فرزندپروری مادران کودکان عادی ۱۲-۷ سال. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۶(۱)، ۸۱-۹۱.
- فرزاد فرد، سیده زینب؛ و هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۷). نقش آموزش مهارت های فرزندپروری بر کاهش تنیدگی مادران و مشکلات رفتاری کودکان. *روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)*، ۴(۱۵)، ۲۷۷-۲۹۲.
- فضلی، نرجس، سجادیان، ایلناز. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش فرزندپروری ذهن آگاهانه بر مشکلات رفتاری کودک و استرس والدگری مادران دارای فرزند مبتلا به اختلال نقص توجه - بیش فعال. *دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی*، ۱۷(۳)، ۳۵-۲۶.
- فیاض، ریحانه؛ عامری، فریده؛ بشارت، محمدعلی. (۱۳۹۴). مقایسه بین سبک های فرزندپروری والدین و استحکام من فرزندان. *رویش روان شناسی*، ۴(۱): ۱۲۶-۱۰۹.
- مرادیان، جلال؛ عالی پور، سیروس؛ شهینی ییلاق، منیژه. (۱۳۹۳). رابطه ی علی بین سبک های فرزندپروری و عملکرد تحصیلی و انگیزه پیشرفت در دانشجویان. *روانشناسی خانواده*، ۱(۱)، ۷۴-۶۳.
- مهمان دوست، زهرا، مروتی، ذکرا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین سبک های شوخ طبعی با خودآگاهی هیجانی در دانش آموزان دختر پایه اول متوسطه شهر اندیمشک. *اولین کنفرانس بین المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی*.
- نجاتی، سیده فرشته؛ و مهدی یار، منصوره. (۱۳۹۴). پیشبینی دشواری در تنظیم هیجان بر اساس سبک های فرزندپروری در دانشجویان دانشگاه شیراز. *دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی*. علوم تربیتی و سبک زندگی، مشهد.
- نف، کریستین. (۲۰۱۱). *دلسوزی*. ترجمه مهدی قراچه داغی (۱۳۹۲). چاپ اول، تهران: نشر ذهن آویز.
- نوربالا، فاطمه. (۱۳۹۱). اثربخشی پرورش ذهن شفقت رز بر میزان اضطراب و خودانتقادی بیماران افسرده. *پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علامه طباطبایی*.

- Hui Wang, Xiaoyi Hu, Zhuo Rachel Han. (2020). Parental stress, involvement, and family quality of life in mothers and fathers of children with an autism spectrum disorder in mainland China: A dyadic analysis, *Research in Developmental Disabilities*, Volume, 107, 109–128.
- Iancu, I., Bodner, E., & Ben-Zion, I. Z. (2015). Self-esteem, dependency, self-efficacy, and self-criticism in social anxiety disorder. *Comprehensive Psychiatry*, 58, 165–171.
- Joshi, D., Dutta, I. (2015). A Correlative Study of Mother Parenting Style and Emotional Intelligence of Adolescent Learner. *International Journal of Innovation and Scientific Research*, 13(1), 145–151.
- Martínez, I., García, J. (2007). Impact of Parenting Styles on Adolescents' Self-Esteem and Internalization of Values in Spain. *The Spanish Journal of Psychology*, 10(2), 338-348.
- Mongrain, M., & Leather, F. (2006). Immature dependence and self-criticism predict the recurrence of major depression. *Journal of clinical psychology*, 62(6), 705–713.
- Rieffe, C., Oosterveld, P., Miers, A. C., Terwogt, M. M., Ly, V. (2008). Emotion awareness and internalizing symptoms in children and adolescents: The Emotion Awareness Questionnaire revised. *Personality and Individual Differences*, 45(8), 756-761.
- Van der Crujisen, R., Murphy, J., & Bird, G. (2019). Alexithymic traits can explain the association between puberty and symptoms of depression and anxiety in adolescent females. *PLOS ONE*, 14(1), Article e0210519.
- Weissman, D. G., Nook, E. C., Dews, A. A., Miller, A. B., Lambert, H. K., Sasse, S. F., Somerville, L. H., McLaughlin, K. A. (2020). Low Emotional Awareness as a Transdiagnostic Mechanism Underlying Psychopathology in Adolescence. *Clinical Psychological Science*, 8(6), 971–988.
- Zuroff, D. C., Igeja, I., & Mongrain, M. (1990). Dysfunctional attitudes, dependency, and self-criticism as predictors of depressive mood states: A 12-month longitudinal study. *Cognitive Therapy and Research*, 14(3), 315–326.